



Legitimate Freedoms in Cyberspace; A Comparative Study of the Legal Systems of Iran and China

Mahdi Moghaddasi*
Ehsan Moradzadeh**

Abstract

Cyberspace has penetrated the individual and social levels of human life, and the issue of regulation is one of the most important issues in this area. On the other hand, despite the acceptance of social freedoms in legal systems, we are witnessing the restriction of these freedoms, especially in cyberspace. In this research, in response to the main question of whether the restriction of legitimate freedoms in cyberspace has been identified in Iranian and Chinese law and what documentation does it have? It can be said that according to various principles such as: Principles 9 and 20 of the Iranian Constitution and Principles 40, 35 and 37 of the Chinese Constitution, the principle is based on individual freedom; but it is not absolute; rather, with restrictions such as: "the need to observe fundamental standards", "not to disrupt the foundations of government, public order and rights" and "not to harm others" referring to principles such as Principles 4, 24 and 25 of the Iranian Constitution and Principles 4, 28, 36 and 38 of the Chinese Constitution, the regulation of social freedoms can be understood, and this limitation can also be generalized in cyberspace. To prove this hypothesis, this article uses a descriptive-analytical method.

Keywords: Legitimate Freedoms, Cyberspace, Regulation, Legal System, Iran, China.

* Faculty of Law Department of Imam Hossein University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

moghaddasi.mahdi7718@gmail.com

8357-1374-0004-0009

** Lecturer and researcher of the Law Department of Imam Hossein University, Tehran, I.R.Iran.

eh.moradzadeh@gmail.com

0009-0009-9057-6933

آزادی‌های مشروع در فضای مجازی؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و چین

مهدی مقدسی*

احسان مرادزاده**

چکیده

فضای مجازی در سطوح زندگی فردی و اجتماعی بشر نفوذ کرده است و مسئله ضابطه‌مندسازی یکی از مهم‌ترین مسائل در این عرصه می‌باشد. ازسوی دیگر علی‌رغم پذیرش آزادی‌های اجتماعی در نظام‌های حقوقی، شاهد تحدید این آزادی‌ها به‌ویژه در فضای مجازی هستیم. در این پژوهش در پاسخ به این سؤال اصلی که آیا تحدید آزادی‌های مشروع در فضای مجازی در حقوق ایران و چین، شناسایی شده است و چه مستنداتی دارد؟ می‌توان گفت که طبق اصول مختلف مانند: اصول ۹ و ۲۰ قانون اساسی ایران و اصول ۴۰، ۳۵ و ۳۷ قانون اساسی چین، اصل بر آزادی افراد است، ولی این‌گونه نیست که مطلق باشد بلکه با قیودی مانند: «لزوم رعایت موازین بنیادین»، «مخل مبانی حکومت، نظم و حقوق عمومی نبودن» و «عدم اضرار به‌غیر» ناظر به اصولی مانند اصول ۴، ۲۴ و ۲۵ در قانون اساسی ایران و اصول ۴، ۲۸، ۳۶ و ۳۸ در قانون اساسی چین، ضابطه‌مندسازی آزادی‌های اجتماعی را می‌توان برداشت نمود و این حدگذاری در فضای مجازی نیز قابلیت تعمیم دارد. برای اثبات این فرضیه در این نوشتار از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: آزادی‌های مشروع، فضای مجازی، ضابطه‌مندسازی، نظام حقوقی، ایران، چین.

* استادیار و عضو هیئت گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران،

جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

moghaddasi.mahdi7718@gmail.com

** دکتری تخصصی و پژوهشگر گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام،

تهران، جمهوری اسلامی ایران.

eh.moradzadeh@gmail.com

مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های حقوقی که در حقوق تطبیقی مطرح می‌باشد، نظام حقوقی چین است. به چند دلیل مسئله آشنایی با نظام حقوقی چین قابل اعتنا می‌باشد: یکم، حقوق قدیم چین، ویژگی‌های منحصر به فردی داشته که آن را از سایر نظام‌های حقوقی متفاوت می‌کند.

دوم، نظام حقوقی چین از سال ۱۹۴۹ تحولی بنیادین به خود می‌بیند و با آمیختگی به حقوق غربی ترکیبی جدید از نظام حقوقی جدید به نمایش می‌گذارد؛ برای مثال می‌توان گفت: در سال ۱۹۸۲ فقط ۱۸۰۰۰۰ حکم مدنی از سوی دادگاه‌های چین صادر شده، ولی در سال ۱۹۹۸ این رقم به ۱۴۵۰۰۰۰ رسیده است. همچنین در سال ۱۹۷۷ صرفاً دو دانشکده حقوق در چین وجود داشته است که کمتر از ۱۰۰ دانشجوی داشته‌اند، ولی در سال ۱۹۸۷ بیش از ۱۲۰۰۰ نفر از هشتاد دانشکده حقوق در چین فارغ‌التحصیل شده‌اند و این مسئله بیانگر تحولی شگرف در عرصه حقوق چین می‌باشد. با بررسی پژوهش‌هایی که در حوزه حقوق تطبیقی انجام شده است، بیشتر آثار در مورد نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی و آنگلو ساکسن مانند: نظام حقوقی فرانسه، انگلستان و ایالات متحده می‌باشد.

سوم، کشور چین که با جمعیت قریب به دو میلیارد نفر و دومین قدرت اقتصادی جهان و روابط تجاری مالی گسترده با کشور ایران می‌باشد، جهت مدیریت بهینه همکاری‌ها و همچنین رویکرد اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی، مطالعه نظام حقوقی چین کاملاً برای پژوهشگران عرصه حقوق تطبیقی ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

از باب نمونه در این راستا می‌توان گفت: صرفاً در دانشگاه پاریس که مهم‌ترین دانشکده حقوق فرانسه شناخته می‌شود در طول چند سال اخیر، بیش از ۲۰ رساله دکتری در حوزه نظام حقوقی چین نگارش شده است. در ادامه بیان پیشینه پژوهش می‌توان گفت که در نظام حقوقی ایران با فقر منابع پژوهشی پیرامون نظام حقوقی چین مواجه هستیم (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص. ۵۰)؛ اما می‌توان به آثار ذیل اشاره داشت: ۱- مقاله نگاهی به حقوق اساسی چین به نگارش منوچهر طباطبایی مؤتمنی که بیشتر به رویکرد تاریخی نظام حقوق اساسی چین پرداخته است، ۲- مقاله اصل حاکمیت اراده

در قواعد حل تعارض در نظام حقوقی ایران و چین به نگارش وحید یگانه، ۳- مقاله چالش‌های حقوق بشری دولت چین با نگارش حسن خسروی؛ با بررسی و تتبعات کامل منابع فوق‌الذکر، بی‌ارتباط بودن این منابع با موضوع نوشتار پیش‌رو همچنین بررسی جامع و منقح نظام حقوق اساسی چین به ویژه در مورد آزادی‌های مشروع در فضای مجازی و غیر آن مبرهن می‌باشد؛ از این‌رو نوآوری پژوهش حاضر با توجه به فقدان منابع پژوهشی در نظام حقوق اساسی چین اثبات می‌گردد.

کشور چین به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور جهان، دارای شتابان‌ترین رشد بین اقتصادهای بزرگ است؛ لذا مجموع‌ترین‌ها در این کشور است؛ مثلاً بزرگ‌ترین تولیدکننده، بیشترین ذخیره ارزی جهان، بالاترین میزان پس‌انداز، بزرگ‌ترین تولیدکننده زغال‌سنگ، فولاد و سیمن در جهان و بزرگ‌ترین کارگاه جهان.

چین قدرت نوظهوری است که در کنار ایالات متحده، ژاپن، روسیه و ایران یکی از قدرت‌هایی است که از آنها به‌عنوان قدرت‌های بزرگ بین‌الملل در سده ۲۱ یاد می‌شود (سازمند، ۱۳۹۲، ص. ۹۴).

چین یکی از کشورهای موفق است که فرایند گذار از اقتصاد سنتی به نظام دانش‌محور را به نحو مطلوبی طی کرده است. چین از جمله کشورهایی است که با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی توسعه‌گرا از منزلت ویژه‌ای در سطح بین‌الملل برخوردار شده است. تأثیر نظام رهبری چین در این امر و تداوم آن از سال ۱۹۷۹ تاکنون بر کسی پوشیده نیست.

برای فهم قدرت سیاسی در نظام حقوق اساسی چین باید ابتدا در خصوص قانون اساسی این کشور نگاشت. قانون اساسی قانونی بنیادین، عالی‌ترین مرجع حقوقی کشور می‌باشد. هیچ قانون و مقرراتی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. در قانون اساسی معمولاً مضامین مهمی مانند اصول اساسی نظام اجتماعی و نظام کشور اصول اساسی سازمان‌دهی اداره دولتی و فعالیت‌های آن و حقوق و وظایف اساسی اتباع قید شده است؛ افزون‌براین در این قانون مواردی مانند: پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی و پایتخت و نظام‌های دیگر اجتماعی مورد توجه طبقه حاکم قید شده است که مربوط به تمام زمینه‌ها در کشور است (سابقی، ۱۳۹۲، ص. ۴۱۳).

ویژگی‌های اساسی این قانون، تعیین نظام و وظایف اصلی چین، تعیین اصول و

رهیافت اساسی اصلاحات و درهای باز می‌باشد که مردم تمام اقوام و ملیت‌ها و سازمان‌های موجود در سراسر کشور باید در چهارچوب قانون اساسی چین فعالیت کرده و هیچ سازمان یا شخصی حق تخطی و نقض قانون اساسی و قوانین دیگر را ندارد. این قانون به ۵ بخش مقدمه، حقوق، برنامه اساسی و وظایف اساسی اتباع و پرچم و شامل چهار فصل و ۱۳۸ ماده است. پس از ابلاغ این قانون ۴ بار در آن تجدیدنظر شده است (سابقی، ۱۳۹۲، ص. ۴۱۴).

در قانون اساسی چین آیین بازنگری هم آمده که اصلاحیه‌ها را کمیته دائمی یا حداقل یک پنجم اعضای کنگره می‌توانند مطرح کنند. این اصلاحیه‌ها در صورت احراز رأی موافق بیش از دوسوم کل اعضا به تصویب می‌رسند.

مبثنی بر مطالب مذکور بررسی آزادی‌های مشروع در عرصه فضای مجازی که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های عصر کنونی می‌باشد، در نظام حقوقی ایران و چین مورد تدقیق قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی با بررسی تمام اصول قانون اساسی ایران و چین، در پاسخ به این مسئله که آزادی‌های مشروع در فضای مجازی در نظام حقوقی ایران و چین در چه وضعیتی است و چه مستنداتی دارد، بیان می‌دارد که آزادی‌های مشروع در نظام حقوق اساسی ایران و چین به رسمیت شناخته شده است و با بررسی تمامی اصول قانون اساسی ایران و چین، آزادی‌های مشروع در فضای مجازی نیز قابل تعمیم است و همچنین مقید به مواردی از جمله مخل نظم عمومی، اضرار به غیر، مخل مبانی اخلاقی و قانونی و... می‌باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. آزادی‌های مشروع

در مورد محدودیت‌هایی که قانون اساسی بیان کرده می‌توان گفت که برخی از این محدودیت‌ها به حکم عقل در قانون اساسی گنجانده شده و این چنین محدودیت‌هایی مورد پذیرش نظام‌های حقوقی سایر کشورها نیز می‌باشد؛ به‌عنوان مثال «استقلال کشور» در تمامی حکومت‌ها دارای اهمیت است و هیچ‌چیز نباید آن را مخدوش کند؛ بنابراین آزادی‌های عمومی نمی‌تواند آنچنان بی‌قید باشد که خدشه‌ای به استقلال کشور وارد کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چین نیز محدودیت‌هایی با عنوان حفظ

استقلال، آزادی، وحدت ملی، اساس نظام و تمامیت ارضی، رعایت حقوق دیگران، مصالح عمومی و حقوق عمومی را با این مبنا پذیرفته و در قانون اساسی خود آورده‌اند.

کلمه مشروع را می‌توان «معتبر و صحیح بودن» از لحاظ قانونی استنباط نمود؛ ولی گاهی این لفظ، معنای «مطابقت با موازین شرعی» را به ذهن متبادر می‌نماید. نتیجه چنین استنباطی در خصوص آزادی‌های مشروع آن است که به آزادی‌های مطابق با شرع احترام گذارده شود، و مفهوم دیگر آن این است که به آزادی‌های مخالف شرع، نه تنها احترام گذارده نشود بلکه هیچ‌گونه حمایتی نیز شامل آنها نشود (حسینی، ۱۳۹۱، صص. ۵۸-۵۹).

قانون چه برگرفته از شرع الهی باشد و چه بر اساس تجربه بشر و دور از تعالیم الهی، درواقع همان محدودیت ارزشمند است. قانون در هر جای این عالم تقلیدکننده و محدودکننده آزادی‌های مردم آن سرزمین است. اگر آزادی را به معنای کامل آن بپذیریم، نباید هیچ قانونی برای بشر در هیچ کجای دنیا متصور شد، چراکه قانون در ظاهر امر، خود نقض آشکار آزادی است. در بند دوم ماده ۱۸ بیانیه حقوق بشر آمده است: در تحقق آزادی و حقوق فردی، هرکس می‌بایست تنها تحت محدودیت‌هایی قرار گیرد که به واسطه قانون، فقط به قصد امنیت در جهت بازشناسی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران وضع شده است تا اینکه پیش‌شرط‌های عادلانه اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه مردم‌سالار تأمین گردد.

همین‌که در تمام جوامع قانون حکم‌فرماست، صرف‌نظر از حقانیت و اجرای آن، خود دلیلی آشکار بر غلبه قانون بر آزادی مطلق می‌باشد. پس ارزش قانون از آزادی بیشتر است. تا قانون نباشد، آزادی معنا نمی‌یابد، و در عمل آزادی نسبی هم از افراد سلب می‌گردد، چراکه کسانی که از قدرت و ثروت بیشتری برخوردارند، می‌توانند کاملاً آزادانه عمل کنند و در نتیجه بیشتر مردم آزادی نسبی را هم از دست می‌دهند. درواقع چون قانون ابزار رسیدن به عدالت است از آزادی ارزشمندتر است؛ به بیان دیگر قانون باعث می‌شود تا آزادی‌های مشروع و قانونی بین آحاد جامعه وجود داشته باشد. زمانی‌که تراحم آزادی‌ها ایجاد شد، قانون فصل خصومت و احقاق حق می‌نماید تا آزادی فرد صاحب حق و سایر افراد از بین نرود و باعث حفظ ارزش‌های دیگر مانند فضیلت و امنیت و... شود؛ بنابراین هر فردی بر این مبنا در جامعه آن‌قدر می‌تواند از آزادی خود بهره‌مند گردد که به آزادی دیگران تجاوز نکند و هر عملی را که به حقوق دیگران لطمه نیاورد، می‌تواند به جای آورد. برای آنکه نظم

اجتماعی پایدار بماند، باید آزادی افراد به مقدار مساوی محدود گردد.

حدود آزادی افراد را قانون که عهده‌دار نظم اجتماعی است معین می‌کند و هر امری را که مزاحم آزادی دیگران باشد منع می‌نماید؛ همچنانی که به انجام آنچه برای حفظ نظم جامعه لازم است امر می‌کند. افراد می‌توانند در انجام هر امری که مورد حکم قانون قرار نگیرد از آزادی خود بهرمنند شود، آن را به جای آورند یا خودداری کنند.

در قانون اساسی ایران، بعضی موارد به آزادی‌های افراد و در بعضی مواقع بر جنبه سیاسی - اجتماعی آزادی تأکید شده است. موردی که باید به آن اهتمام ورزید این است که منطبق بر قانون اساسی «هیچ‌کس نمی‌تواند اجرای حق خود را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» (اصل ۴۰).

در نتیجه می‌توان از آزادی در قلمرو قانون استفاده نمود، منوط به اینکه اجرای حق افراد به آزادی دیگران یا منافع عمومی، لطمه نزند؛ مانند آزادی عمل و رفتار فردی (اصل ۳۲)، اصل آزادی عمل (اصل ۳۷) یا مانند اصل آزادی انتخاب مسکن و محل اقامت مبتنی بر اصل ۳۳ قانون اساسی، اصل آزادی انتخاب شغل و امنیت مالکیت منطبق بر اصل ۲۸، ۲۳، ۴۳، ۴۶؛ ۴۷، اصل آزادی عقیده مبتنی بر اصل ۲۳، اصل آزادی اقلیت‌های دینی مذهبی مبتنی بر اصل ۱۲ و

در قانون اساسی چین نیز به آزادی‌های افراد اهتمام ورزیده شده است؛ مانند ممنوعیت از تعرض به حقوق و آزادی‌های افراد (مواد ۳۵، ۳۷، ۴۰).

۲-۱. فضای مجازی

فضای مجازی به معنای شبکه جهانی متشکل از زیرساخت‌های فنی، رایانه‌ای و مخابراتی است که در سطح جهان با همدیگر پیوسته و مرتبط می‌باشند. واژه فضای مجازی برای نخستین بار توسط ویلیام گیbson در کتاب نورومنس در سال ۱۹۸۴ به کار گرفته شد. فضای مجازی (سایبر) به مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می‌شود.

این روابط در فضایی غیرفیزیکی (مجازی) اتفاق می‌افتد و به همین دلیل بسیاری از محدودیت‌های دنیای معمول را ندارد. فضای مجازی، اصطلاحی است که می‌توان آن را در کنار عبارت مشهور «دهکده جهانی» قرار داد یا حتی، امروزه چنین فضایی را عامل

محوری تحقق دهکده جهانی دانست. دنیای تخیلی دیروز، امروزه به واقعیتی بدل شده که برای بسیاری از مفاهیم و موجودی‌های فیزیکی، معادل مجازی دارد: کتابخانه، فروشگاه، اتاق گفتگو و دید و بازدید، ارسال و دریافت و اشتراک، چاپ و نشر، گردشگری، کاریابی و حتی تقلب و سوءاستفاده و کلاهبرداری (السان، ۱۳۹۹، ص. ۱۷).

۳-۱. نظام حقوقی

قواعد اجتماعی لازم‌الاجرا در هر کشور، حقوق خاص آن کشور است. اندیشمندان حقوق تطبیقی، هریک از مجموعه‌های حقوقی را یک نظام حقوقی نامیده و با توجه به عناصر ثابت و مشترک این نظام‌ها، آن‌ها را به چند خانواده طبقه‌بندی کرده‌اند. نظام حقوقی تجسم عینی و خارجی آرمان‌ها، اهداف و مبانی حقوق در قالب قوانین و مقررات حقوقی جامعه است که طبقه‌بندی آن‌ها، با توجه به تنوع بسیار گسترده و نیز دشواری یافتن ملاک و معیار طبقه‌بندی، به مناقشه‌های بسیار انجامیده است (داوید، ۱۳۶۴، ص. ۱۸؛ دانش‌پژوه، ۱۳۹۴، ص. ۵۱۴).

دکتر کاتوزیان در مقدمه علم حقوق، تاریخ حقوق تطبیقی را به پنج گروه اصلی قابل تقسیم می‌داند: ۱- حقوق رومی و ژرمنی (حقوق اروپای غربی)؛ ۲- حقوق انگلیس و آمریکا (کامن‌لا)؛ ۳- حقوق کشورهای کمونیستی؛ ۴- حقوق اسلام؛ ۵- حقوق هند و چین و خاور دور (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۹).

۲. تاریخچه تحولات قانون اساسی

پس از بیان نکات فوق، برای شناخت هرچه بیشتر آزادی‌های مشروع در قوانین اساسی ایران و چین، لاجرم بایستی نسبت به سیر تاریخی این دو قانون با رویکرد تحلیلی آزادی‌های مشروع مطالبی ارائه گردد. از این باب به‌صورت اجمالی، تاریخچه تحولات قانون اساسی ایران و چین، جهت استخراج اصول و مفادی که به‌واسطه آن‌ها آزادی مشروع بررسی می‌گردد، ذکر می‌شود.

۲-۱. ایران

قانون اساسی حکومت‌ها به‌عنوان سند اصلی یک کشور، به‌گونه‌ای تدوین می‌شوند که در عین مختصر بودن، از چنان استحکام حقوقی برخوردار باشند که بتوان نظام گسترده

اداری یک کشور را بر پایه آن بنا کرد.

بی‌توجهی به قانون اساسی، تنها در حد یک ایراد نظری باقی نمی‌ماند بلکه آثار سیاسی - اجتماعی آن در همه بخش‌های جامعه سرایت می‌کند. نمونه روشن این مسئله به دنبال نگارش اولین قانون اساسی انقلاب مشروطیت رخ داد که در نتیجه بالاگرفتن اختلاف بر سر کیفیت آن، مدت‌های طولانی سراسر کشور دچار اختلاف بود. کوشش‌های زیادی برای اصلاح و اجرای قانون اساسی صورت گرفت؛ اما برپاشدن حکومت پهلوی همه مجاهدت‌ها را بی‌نتیجه ساخت و دوباره سایه سنگین استبداد بر همه‌جای کشور حاکم شد و در نتیجه قانون اساسی نیز در این میان کارآمدی خود را از دست داد و به تبع آن در بهمن ماه سال ۱۳۵۷، انقلاب مردمی مبتنی بر اسلام به پیروزی رسید و قانون اساسی متقنی به تصویب مردم ایران رسانید.

اولین مجلس شورای ملی ایران، قبل شکل‌گیری قانون اساسی برگزار شده است. این قانون شش ماه پس از پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ ش تدوین گردید. این قانون مشتمل بر پنج فصل و پنجاه و یک اصل، با امضاء مظفرالدین شاه رسمیت پیدا کرد. عناوین فصول اول تا پنجم قانون اساسی به این صورت بودند: فصل اول: تشکیل مجلس؛ فصل دوم: وظایف مجلس و حقوق و حدود آن؛ فصل سوم: ترتیب اظهار مطالب در مجلس؛ فصل چهارم: عنوان مطالب از طرف مجلس و فصل پنجم: شرایط تشکیل مجلس سنا. چنانکه از عناوین فوق برمی‌آید، تنها بخش مهمی از آن قانون، جنبه آیین‌نامه‌ای داشت. به همین علت نمایندگان درصدد تهیه متمم قانون اساسی برآمدند. متن متمم قانون اساسی، پس از مذاکرات سرانجام مشتمل بر صد و هفت اصل در سال ۱۲۸۶ ش، به امضاء محمدعلی شاه رسید. متمم مذکور مشتمل بر موارد زیر بود: حقوق ملت ایران، قوای مملکت، حقوق سلطنت، اقتدارات محاکم، وضع وزراء، انجمن‌های ایالتی و ولایتی. قانون اساسی مشروطیت بارها مورد تغییر قرار گرفت. در سال ۱۳۰۴ چهار سال پس از کودتای رضاشاه با تصویب مجلس پنجم شورای ملی اصول سی و شش، سی و هفت و سی و هشت متمم با حفظ موضوعیت به نفع خاندان رضاشاه تغییر پیدا کرد. در سال ۱۳۱۰ با تفسیری از اصول هشتاد و یک و هشتاد و دوم قانون اساسی، قوه قضائیه استقلال خود را از دست داد و حقوق و آزادی‌های اساسی افراد ملت به طور کامل سلب گردید. در سال ۱۳۲۸ ش مسئله تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر قانون اساسی مطرح شد و

اصولی از این قانون در جهت تقویت سلطنت و تضعیف حقوق ملت دچار تغییر گردید و یک اصل نیز درخصوص نحوه تجدیدنظر در قانون اساسی به آن الحاق شد. همچنین مقرر گردید چندین اصل از قانون اساسی (اصول ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۴۹) به وسیله مجلس واحدی (کنگره) مرکب از مجلس سنا و شورا مورد بازبینی قرار گیرد و این کار در سال ۱۳۳۶ به سرانجام رسید. آخرین مجلس مؤسسان در ارتباط با اصلاح قانون اساسی در شهریور ۱۳۴۶ تشکیل گردید؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، قانون اساسی مشروطیت و متمم آن که قسمت مهمی از آن اجرایی نشده بود، متوقف گردید و به جای آن قانون اساسی جمهوری اسلامی جایگزین شد (مدنی، ۱۳۸۴، ص. ۲۴).

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی، سقوط نظام سلطنتی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی بوده است. از جمله لوازم تغییر نظام سیاسی کشور، تدوین قانون اساسی جدید است که در آن، ضمن تعیین نوع نظام حاکمیتی، حقوق اساسی مردم و تعیین وظایف و اختیارات قوای حاکمیتی در آن متجلی می‌گردد. تصمیم تاریخی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) مبنی بر لزوم کنار گذاردن قانون اساسی مشروطیت و تدوین قانون اساسی بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ابتدا به صورت پیش‌نویس‌های متعددی در جامعه فکری - رسانه‌ای ایران مطرح گشت و در ادامه، در مجلس خبرگان قانون اساسی به بحث گذاشته شد و به دست اعضای همین مجلس تصویب شد، و در تاریخ ۲۴ آبان ۵۸ به اتمام رسید. متن مصوب، در آذر ۱۳۵۸ با همه‌پرسی مردمی به تصویب عمومی رسید.

۲-۲. چین

جمهوری چین در سال ۱۹۱۱ به وسیله سون یاتسن تأسیس شد، و در سال ۱۹۴۹ با شروع انقلاب، حزب کمونیست به رهبری مائوتسه دونگ بر این کشور تسلط یافت و یک قانون اساسی موقت حد فاصل ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۴ وجود داشت و پس از آن در سال‌های ۱۹۵۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۸ سه قانون اساسی مصوب در این کشور اعمال می‌گردید. لازم به ذکر است چین از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۸۲ پنج بار قانون اساسی خود را تغییر داده است (China 1992, 5). قانون اساسی ۱۹۵۴ شامل ۱۰۶ ماده است که از قانون اساسی ۱۹۳۶ شوروی متأثر و در جهت نهادینه کردن سوسیالیسم در چین بنا نهاده شد. در سال ۱۹۵۸ بازنشستگی مائو، موجب بحران‌های سیاسی و تغییراتی در ساختار سیاسی کشور شد و در واکنش به این

جریان‌ها، انقلاب فرهنگی آغاز شد. این انقلاب با الهام از افکار مائو به منظور تصفیه حزب کمونیست صورت گرفت و در پایان مقدمات تدوین دومین قانون اساسی فراهم گردید که در سال ۱۹۷۵ به وسیله مجلس ملی خلق که قریب به ده سال تشکیل جلسه نداده بود، به تصویب رسید. این قانون ۳۰ ماده داشت و طبق قانون اساسی مذکور مقام ریاست جمهوری حذف شد؛ اما قانون اساسی ۱۹۸۲ آن را دوباره برقرار کرد.

قانون نسبت به عقاید مائو و اصول مارکسیسم - لنینیسم وفادار بود؛ اما پاسخگوی شرایط کشور نبود؛ بنابراین چندان دوامی نیاورد. بعد از مدت کوتاهی جای خود را به قانون اساسی سوم داد. قانون اساسی ۱۹۷۸ پیرو تحولات ناشی از مرگ مائو و افتادن قدرت به دست رهبران جدید در ۱۹۷۸ به تصویب رسید و نوعی سازش میان دو قانون اساسی قبلی برقرار کرد. این قانون دارای ۶۰ ماده بود.

چهارمین قانون اساسی در ۱۹۸۲ تصویب شد که در ۵ مرحله از طریق ۵ اصلاحیه مشمول تغییراتی شده است (۱۹۸۸-۱۹۹۳-۱۹۹۹-۲۰۰۴-۲۰۱۸). در حال حاضر قانون اساسی چین دارای ۱۴۳ ماده است. مرجع صادرکننده تمامی این اصلاحیه‌ها کنگره ملی خلق بوده است (نجفی، ۱۳۹۵، صص. ۱۱۷-۱۳۳).

۳. چهارچوب نظری

۳-۱. آزادی‌های مشروع در قانون اساسی

آزادی از جمله حقوقی بنیادین است که تأمین و تضمین آن در قوانین اساسی ایران و چین مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی و... از جمله آزادی رفت و آمد، آزادی بیان و اندیشه و عقیده، آزادی تشکل و تجمع، خلوت، مالکیت و غیره... جلوه‌های از حقوق بنیادین به شمار می‌رود. تعرض به این گونه حقوق و آزادی‌ها ممنوع است، مگر به موجب قانون در جهت تضمین حقوق دیگران و نظم عمومی. آزادی افراد تا آن حد محترم است که در قوانین اساسی با قید برتری حقوق و آزادی‌های عمومی و منع سلب آن، حتی با وضع قانون مردمی ممنوع می‌باشد.

۳-۱-۱. ایران

اولین پیش‌فرض تحقق آزادی‌های مشروع، برقراری امنیت و آرامش اجتماعی است. در صورت عدم امنیت، سخن از آزادی بدون حکمت خواهد بود. قانون اساسی جهت

حراست از آزادی، اقدام‌هایی را در نظر گرفته است. در بند ششم و هفتم از اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی موظف است جهت نیل به اهداف اصل دوم قانون اساسی که یکی از آنها ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا است، به «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» و «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» بپردازد که این موارد کاملاً بیانگر به رسمیت شناختن آزادی‌های مشروع می‌باشد.

اصل بعدی که تأییدکننده آزادی‌های مشروع می‌باشد، اصل نهم است: در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. این اصل از یک جهت، سوءاستفاده از آزادی و به خطر انداختن استقلال و تمامیت ارضی کشور را ممنوع ساخته و از سوی دیگر سلب آزادی‌های مشروع و قانونی را، حتی با وضع قوانین و مقررات ممنوع کرده است.

مورد دیگر اصل بیستم است که درباره جنبه حمایت قانون از حقوق و آزادی‌های افراد سخن می‌گوید: همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۳-۱-۲. چین

در نظام حقوق اساسی چین اصل بر این است که تمامی افراد از آزادی برخوردارند و هیچ دستگاه یا نهادی حق تعرض به آزادی آنها را ندارد، خواه این آزادی‌ها در حوزه بیان یا مطبوعات، خواه در حوزه آزادی‌های اجتماعی، مانند اعلام نظراتشان از طریق تظاهرات باشد؛ از این رو اصول ذیل بیانگر حق برخورداری از آزادی چه در فضای مجازی و چه غیر آن می‌باشد.

ماده چهل: تفتیش مراسلات و هرگونه مکاتبات ممنوع است. هیچ مؤسسه یا فردی

حق تعرض به آزادی و افشای مکاتبات را ندارد.
ماده سی و پنجم: کلیه افراد از آزادی بیان، مطبوعات و راهپیمایی و تظاهرات سیاسی بهره‌مند هستند.
ماده سی و هفتم: آزادی فرد از تعرض مصون است... و محدودیت اشخاص از آزادی فردی از طریق بازداشت یا سایر وسایل ممنوع بوده و بازجویی غیرقانونی از افراد مجاز نمی‌باشد.

۴. ضابطه‌مندسازی آزادی‌های مشروع

با توجه به اینکه در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا آزادی‌های اجتماعی به صورت نظام‌مند و ساختارمند درمی‌آیند و در نتیجه، این آزادی‌ها با وصف مشروع ضابطه‌مند می‌گردند؛ از این رو در ادامه پژوهش به اصولی که در قانون اساسی ایران و چین، مشعر به قاعده‌مندسازی و ضابطه‌گذاری آزادی‌های مشروع به خصوص نسبت به فضای مجازی است، پرداخته می‌شود.

۴-۱. ایران

اولین اصلی که در قانون اساسی ایران، قانون‌گذار در مورد تحدید آزادی‌ها سخن گفته است، استفاده از قید منطبق با «موازن اسلامی» مذکور در اصل چهارم می‌باشد که بیانگر لزوم انطباق تمامی قوانین و مقررات، شامل آزادی‌های مشروع در فضای مجازی و غیر آن با موازین و مبانی اسلامی است.

اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است.

همچنین قانون‌گذار اساسی ایران وصف اخلال در مبانی اسلامی یا حقوق عمومی را به عنوان ضابطه آزادی‌های اجتماعی بیان می‌کند که این امر نسبت به فضای مجازی نیز قابلیت تعمیم دارد.

اصل بیست و چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

یکی دیگر از اشکال ضابطه‌گذاری نسبت به آزادی‌های اجتماعی در قانون اساسی ایران، مسئله تعدی به حقوق دیگر افراد جامعه و یا منافع عمومی می‌باشد که در این

صورت قانون‌گذار اساسی می‌تواند نسبت به این آزادی‌ها محدودیت ایجاد کند که این مسئله را در اصول بیست‌وپنجم و چهلم قانون اساسی می‌توان یافت. اصل بیست‌وپنجم: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن گفتگوهای تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. اصل چهلم: هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

ضمانت اجرای این اصول متعدد قانون اساسی که حقوق و آزادی‌های افراد را تضمین می‌کند، عملاً در اختیار دستگاه قضایی است که بر اساس قوانین جزایی، متجاوزان به حقوق افراد را مجازات و حقوق تضییع‌شده آنها را احقاق می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۹، ص. ۳۷۷).

۴-۲. چین

پس از بررسی اصول قانون اساسی ایران که در مورد قاعده‌مندسازی آزادی‌های مشروع می‌باشد، در این بخش از نوشتار به بررسی اصولی که در قانون اساسی چین ناظر به تحدید آزادی‌های مشروع می‌باشد، پرداخته می‌شود.

با بررسی تمامی اصول قانون اساسی چین می‌توان گفت که قانون‌گذار اساسی در موارد ذیل ضابطه‌مندسازی را با ابزارهای قانونی مورد اشاره قرار داده است؛ مانند: زمانی که در فضای مجازی آزادی‌های مشروع افراد باعث اختلاف بین اقوام اجتماعی می‌گردد و با تحریک قومیت‌ها موجب رفتارهای ضدحاکمیتی، خلاف نظم عمومی، توهین و افترا و مخل در مسائل امنیتی شوند؛ از این‌رو اصول ذیل جهت این ضابطه‌مندی بیان می‌گردد: ماده چهارم: همه اقوام مختلف در جمهوری خلق چین با هم برابرند... هر عملی که اتحاد بین اقوام مختلف را تضعیف نموده و یا باعث تحریک آنان گردد و ایجاد نفاق نماید، ممنوع است...

ماده بیست‌وهشتم: دولت نظم عمومی را حفظ کرده، از خیانت به کشور و سایر رفتارهای ضد انقلابی جلوگیری نموده و اعمالی که امنیت عمومی را به خطر انداخته و ایجاد وقفه و اخلال در اقتصاد سوسیالیستی نماید جریمه و مجازات می‌نماید و خطاکاران را تنبیه و اصلاح می‌کند (عبارت اعمال انقلابی با عبارت اعمال مجرمانه در سال ۱۹۹۹ مطابق با متمم سوم قانون اساسی در این اصل جایگزین شد).

ماده سی‌وششم: ... هیچ‌کس نمی‌تواند با توسل به مرام مذهبی خود دست به اقداماتی

بزند که مخل نظم عمومی بوده، سلامت افراد را به مخاطره انداخته و با نظام آموزشی دولتی مغایرت داشته باشد....

ماده سی و هشتم: حیثیت فردی اشخاص مصون از تعرض است. توهین، افترا، اتهامات ناروا و توطئه علیه افراد به هر نحو ممنوع است.

ماده چهلم: ... هیچ مؤسسه یا فردی حق تعرض به آزادی و افشای مکاتبات را ندارد مگر به منظور مسائل امنیتی کشور و یا تحقیقات در مورد جرائم جنایی که در این صورت مقامات امنیتی و یا ادارات استانی با رعایت تشریفات مقرر در قانون مجاز به انجام ممیزی و سانسور مکاتبات می‌باشند.

ماده پنجاه و یکم: هیچ‌کس نباید اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

ماده پنجاه و سوم: همه افراد ملت موظف‌اند از قانون اساسی و سایر قوانین اطاعت نموده، اسرار دولتی را حفظ و از اموال عمومی حفاظت کرده و انضباط شغلی و نظم عمومی را رعایت نموده و اصول اخلاق اجتماعی را محترم بشمارند.

ماده پنجاه و چهارم: همه افراد ملت موظف‌اند امنیت، شرافت و منافع میهن خود را صیانت نمایند و هیچ‌کس حق ندارد مرتکب اعمالی شود که امنیت، شرافت و منافع کشور را به مخاطره اندازد.

نتیجه‌گیری

با بررسی همه‌جانبه قانون اساسی ایران و چین می‌توان بیان داشت که روح حاکم بر قانون اساسی هر دو کشور احترام به آزادی‌های مشروع افراد چه در فضای مجازی و چه غیر آن می‌باشد و قانون‌گذار اساسی دو کشور، مواردی را که موجب نقض آزادی‌های اجتماعی باشد به رسمیت نمی‌شناسد.

نکته بسیار مهم این است که در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا، آزادی مطلق وجود ندارد و این آزادی را مقید به آرمان‌ها و اصول نظام حکمرانی خود می‌نمایند و باعث ضابطه‌مندی آزادی‌ها می‌گردند؛ از این رو می‌توان گفت: آزادی‌های مشروع فوق‌الذکر مقید به مواردی می‌باشد؛ از جمله: مخل نظم عمومی، اضرار به غیر، مخل مبانی اخلاقی و قانونی مستظهر به اصول چهار، بیست و چهار، بیست و پنج و چهل در قانون اساسی ایران و همچنین موارد فوق، مستظهر به مواد چهار، بیست و هشت، سی و شش، سی و هشت و چهل در قانون اساسی چین می‌باشد؛ به عبارت دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مواردی از آزادی‌های مشروع را به صورت مصداقی بیان کرده است که آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و آزادی احزاب و گروه‌ها از جمله آن‌ها است. قانون اساسی همچنین محدودیت‌هایی برای آزادی‌ها ذکر کرده است: رعایت مبانی اسلام و عدم اخلاف در آن؛ رعایت مصالح عامه که مفهومی متفاوت و عام‌تر از حقوق عمومی افراد است و بعضاً دارای رجحان نیز می‌باشد. از دیگر مفاهیمی که به عنوان محدودیت آزادی بیان شد «حفظ استقلال کشور» است که ارتباط تنگاتنگی با مفهوم آزادی دارد. همچنین رعایت عوامل شکل‌دهنده وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی از موارد محدودکننده آزادی معرفی شدند و آخرین عامل محدودکننده آزادی نیز حفظ اساس جمهوری اسلامی ایران است

فضای آزادی‌های سیاسی در چین در مواردی که اخلاف در نظم و امنیت عمومی و توهین به قومیت‌ها باشد، محدود و دارای ضابطه و بسته است؛ مانند ایجاد ضابطه در فضای مطبوعاتی، تارنماهای اینترنتی، دانشگاه‌ها. در مجموع می‌توان گفت که مبانی و ساختارهای نظام حقوق اساسی بر روند حاکمیت مردم در ایران و چین مؤثر بوده و حاکمیت مردم رابطه معناداری با مبانی و ساختارهای قانون اساسی و همچنین نقش مردم در نظارت بر اعمال قدرت سیاسی دارد.

کتابنامه

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون اساسی جمهوری خلق چین مصوب ۱۹۸۲، اصلاحیه سال ۲۰۱۸.
- السان، مصطفی (۱۳۹۹). حقوق فضای مجازی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- حسینی، مهدی (۱۳۹۱). آزادی بر آزادی. تهران: نشر اندیشه و فرهنگ جاویدان.
- دانش پژوه، مصطفی (۱۳۹۴). حقوق‌شناسی عمومی با رویکرد به حقوق اسلام و ایران. تهران: سمت.
- داوید، رنه (۱۳۶۴). نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر. ترجمه حسین صفایی؛ محمد آشوری و عزت‌الله عراقی. تهران: بی‌نا.
- سابقی، علی محمد (۱۳۹۲). جامعه و فرهنگ چین. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری انتشارات بین‌المللی الهدی.
- سازمند، بهاره (۱۳۹۲). خیزش چین. فصلنامه مطالعات سیاسی، سال پنجم، (۱۹)، ۱۲۰-۹۴.
- طباطبایی، سیدحسین (۱۴۰۰). مطالعات حقوقی چین. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری انتشاراتی

نگاه بینه.

- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱). مقدمه علم حقوق. تهران: گنج دانش.
- مدنی، سیدجمال‌الدین (۱۳۸۴). تحولات قانون و حقوق اساسی در ایران معاصر. ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ش ۳۴، ۲۴-۳۶.
- نجفی، بهروز (۱۳۹۵). فرایند تشکیل و راهبری قدرت سیاسی در نظام حقوق اساسی چین و روسیه. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). با راهنما علیرضا دبیرنیا، دانشگاه قم، قم، ایران.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۹). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان.

China (1992). Beijing Progress in China's Human Rights Cause in 1992 the Constitution of ancient China (2018). 26- edited by zhang yongle daniel a.bell translated by edmund ryden 'published by princeton university.

References

- Constitution of the Islamic Republic of Iran.
- Constitution of the People's Republic of China, adopted in 1982, amended in 2018.
- Elsan, Mustafa (2019). Cyberspace Law. Tehran: Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute.
- Hosseini, Mehdi (2012). Freedom over Freedom. Tehran: Andisheeh va Farhang Javidan Publishing House.
- Daneshpajouh, Mustafa (2015). General Jurisprudence with an Approach to Islamic and Iranian Law. Tehran: Samt.
- David, Rene (1985). Major Contemporary Legal Systems. Translated by Hossein Safaei; Mohammad Ashouri and Ezatollah Araghi. Tehran: Bina.
- Sabeqi, Ali Mohammad (2013). Chinese Society and Culture. Tehran: Al-Hoda International Publishing Institute for Cultural and Artistic Affairs.
- Sazmand, Bahareh (2013). The Rise of China. Quarterly Journal of Political Studies, Year 5, (19), 120-94.
- Tabatabaei, Seyed Hossein (1400). Chinese Legal Studies. Tehran: Negah Bineh Cultural and Artistic Institute.
- Katouzian, Naser (1401). Introduction to Law. Tehran: Ganj Danesh.
- Madani, Seyed Jamal-eddin (1384). Developments in Law and Constitutional Law in Contemporary Iran. Monthly Thought and Political History of Contemporary Iran, No. 34, 24-36.
- Najafi, Behrouz (1395). The Process of Formation and Leadership of Political Power in the Constitutional Law System of China and Russia. (Master's Thesis). Supervised by Alireza Dobirnia, University of Qom, Qom, Iran.
- Hashemi, Mohammad (1389). Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Mizan Publishing.